

عباس محمودی

مدرس مرکز تخصصی حدیث حوزه
و پژوهشگر پژوهشکده حدیث حوزه

علی اکبر خدامیان آرانی

مدرس مرکز تخصصی حدیث حوزه
و پژوهشگر پژوهشکده حدیث حوزه

کتاب شناسی تحلیلی «اصول التخریج و دراسته الاسانید»

۱۰۴-۹۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب‌شناسی تحلیلی «اصول التخریج ودراسة الاسانید»

عباس محمودی / علی اکبر خدامیان آرانی

چکیده: تخریج از جمله دانش‌های حدیثی است که در سنجش اعتبار روایات، کاربرد دارد. تاکنون کتاب‌های فراوانی در دانش تخریج تألیف شده، اما پژوهشی مستقل جهت شناسایی، بررسی و نقد منابع این دانش انجام نگرفته است. بنابراین، تحقیقی جامع و تحلیلی، در این راستا ضروری است. هدف این مقاله معرفی و نقد کتاب «اصول التخریج ودراسة الاسانید» تألیف محمود طحان به عنوان نخستین کتاب نوشته شده در مباحث نظری دانش تخریج است. فایده‌ی کلی این تحقیق، آشنایی با معنا و طرق تخریج و آگاهی از جایگاه و اهمیت کتاب «اصول التخریج» بوده و فایده خاص آن، الگویی از مبانی، مبادی، قواعد و طرق تخریج این کتاب در شیعه می‌باشد. نوآوری این مقاله، شناسایی نقاط قوت و ضعف کتاب مذکور و نقد و بررسی ساختار و متن آن است. مواد تحقیق؛ مقدمه و متن کتاب «اصول التخریج ودراسة الاسانید» است. این نوشتار در سه بخش شناسایی مولف، معرفی کتاب و نقد و بررسی آن تنظیم شده است.

کلیدواژه: محمود طحان، طرق التخریج، منابع تخریج، دانش تخریج، اعتبارسنجی حدیث، علوم حدیث.

Analytical Bibliography of *Osūl al-Takhrīj wa Dirāsāt al-Asānīd*

By: Abbās Mahmūdī, Ali Akbar Khodāmīān Ārānī

Abstract: Takhrij (extrapolation) is one of the hadith knowledge which is used in assessing the authenticity of hadiths. So far, many books have been compiled in this field, but no independent research has been conducted to identify, review and criticize the sources of this knowledge. Therefore, a comprehensive and analytical research is necessary. The purpose of this article is to introduce and criticize the book *Osūl al-Takhrīj wa Dirāsāt al-Asānīd*, by Mahmoud Tahān, as the first book written on the theoretical subjects of this knowledge. The overall benefit of this research is to get acquainted with the meanings and ways of extrapolation, as well as the importance of the book *Osūl al-Takhrīj*. Its particular benefit is to use this book as a model for the basics, principles, rules and methods of extrapolation in Shiism. The innovation of this paper is to identify the strengths and weaknesses of the mentioned book and to review its structure and text. The research material is the introduction and the text of the book. This article is arranged in three sections: introducing the author, introducing the book, and reviewing the book.

Key words: Mahmoud Tahān, ways of takhrīj (extrapolation), sources of takhrīj (extrapolation), knowledge of takhrīj (extrapolation), assessing the reliability of hadith, hadith sciences.

بیبلوگرافیا تحلیلیه لکتاب أصول التخریج ودراسة الأسانید

عباس المحمودی / علی اکبر خدامیان آرانی

یعدّ التخریج واحداً من العلوم الحديثية التي تلعب دورها في تقييم مدى اعتبار الروایات. وقد تمّ حتّى الآن تألیف العديد من الكتب في علم التخریج، إلاّ أنه لم يتصدّى أحدٌ حتّى الآن للقيام بتحقیق مستقلّ للتعريف بهذا العلم ودراسته ونقد مصادره. ومن هنا تبرز الحاجة الملحة للقيام بتحقیق تحلیلی جامع في هذا الباب.

والمقال الحالي يهدف إلى تعريف ونقد كتاب أصول التخریج ودراسة الأسانید الذي قام بتأليفه محمود الطحان، باعتباره الكتاب الأول الذي يتضمّن الأبحاث النظرية لعلم التخریج.

والثمرة الأساسية لهذا المقال هي التعرف على معنى التخریج وطرقه، والاطلاع على مكانة وأهمية كتاب أصول التخریج، أما فائدته الخاصة فهي توفيره للنموذج الذي يُحتذى من الأسس ومبادئ وقواعد وطرق تخریج هذا الكتاب في الوسط الشيعي.

والجدید في هذا المقال هو تشخيصه لنقاط القوة والضعف في الكتاب المذكور، وإلقاء نظرة نقدية على شكله ومضمونه. أما مادة التحقيق فهي مقدمة ونصّ كتاب أصول التخریج ودراسة الأسانید.

وتتنظّم مطالب هذا المقال ضمن ثلاثة أقسام، هي: التعريف بالمؤلف، والتعريف بالكتاب، ونقد الكتاب ومراجعته.

المفردات الأساسية: محمود الطحان، طرق التخریج، مصادر التخریج، علم التخریج، تقييم الحديث، علوم الحديث.

کتاب‌شناسی تحلیلی

«اصول التخریج و دراسة الاسانید»

عباس محمودی

مدرس مرکز تخصصی حدیث حوزه
و پژوهشگر پژوهشکده حدیث حوزه

علی اکبر خدایان آرائی

مدرس مرکز تخصصی حدیث حوزه
و پژوهشگر پژوهشکده حدیث حوزه

اشاره

حدیث، منبع استنباط احکام اسلام پس از قرآن است. یکی از مهم‌ترین ابزار سنجش اعتبار حدیث که با منبع، سند، متن، محتوا و موضوع ارتباط دارد، دانش تخریج است. با تخریج یک حدیث، می‌توان به منبع، متن، محتوا و طریق‌های مختلف آن دست یافت.

تخریج در لغت، از باب تفعیل و از ریشه «خ ر ج» بوده که در دو اصل معنایی خارج کردن و اجتماع دو رنگ مختلف در یک شیء به کار رفته است.^۱ در اصطلاح دارای معانی متعددی همچون مترداف «اخراج» (به معنای ابزار و آشکار نمودن)،^۲ مترادف با کتاب مستخرج^۳ (به معنای بیرون آوردن احادیث از لابه لای کتاب‌های حدیثی و روایت نمودن آنها با سند)^۴ و دلالت و راهنمایی است.^۵ معنای شایع و مشهور بین محدثان، همین معنای اخیر است.

نخستین کتابی که به صورت مستقل در زمینه مباحث نظری دانش تخریج تألیف شده، «اصول التخریج و دراسة الاسانید» اثر محمود طحان از عالمان معاصر است. با توجه به جایگاه ویژه این اثر در میان کتاب‌های نظری تخریج و همچنین عدم وجود پژوهشی مستقل در راستای شناسایی و تحلیل این کتاب، تحقیقی جامع برای شناخت تحلیلی این اثر ضروری می‌نماید.

این تحقیق با هدف ارائه اطلاعاتی جامع، جهت شناسایی کتاب «اصول التخریج و دراسة الاسانید» تلاش می‌کند. ابزار تحقیق، مقدمه، فهرست و متن کتاب است. این نوشتار علاوه بر معرفی کتاب «اصول التخریج و دراسة الاسانید»، در آشنایی با معانی متعدد تخریج، راه‌های تخریج حدیث و شناخت معنای دراسة الاسانید موثر است.

مقاله پیش رو در سه بخش تنظیم شده است: ۱. معرفی مؤلف ۲. معرفی کتاب ۳. تحلیل و نقد ساختاری و محتوایی کتاب.

الف) شناسایی مؤلف

قبل از ورود به بخش اصلی مقاله (نقد و بررسی کتاب)، لازم است به طور خلاصه، هویت و شخصیت علمی مؤلف تبیین گردد.

۱. هویت

ابوحفص محمود بن احمد بن محمود طحان حلبی نعیمی، مشهور به محمود طحان در سال ۱۹۳۵ م در حلب متولد شد. او در خانواده‌ای اهل علم رشد یافت. پدر وی، حاج احمد طحان فردی فاضل بوده و همه

۱. رک به: معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۱۷۵؛ العین، ج ۴، ص ۱۵۸؛ لسان العرب، ج ۲، ص ۲۵۲.

۲. رک به: المفضل فی اصول التخریج و دراسة الاسانید، ص ۷؛ اصول التخریج و دراسة الاسانید، ص ۹؛ معرفة علوم الحدیث، ص ۱۲۸.

۳. اصول التخریج و دراسة الاسانید، ص ۱۰.

۴. سخاوی قائل به این قول است. رک به: اصول التخریج و دراسة الاسانید، ص ۱۰؛ فتح المغیث، ج ۲، ص ۳۸۲.

۵. محمود طحان، این تعریف را ارائه داده است. رک به: اصول التخریج و دراسة الاسانید، ص ۱۰.

فرزندانش را در راه طلب علم و محبت علما تربیت کرده است. محمود طحان به تواضع، خوش خلقی، جرئت در ابراز قول حق و دوری از تملق و چاپلوسی معروف است.^۶

۲. شخصیت علمی

مقام و جایگاه علمی هر فرد در گفته‌ها و نوشته‌های علمی او تأثیر مستقیم دارد. برای پی بردن به این موقعیت، راه کارهای متعددی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به شناخت اساتید، شاگردان و آثار علمی اشاره کرد.

۲-۱. اساتید و شاگردان

طحان از اساتید متعددی بهره گرفته که از جمله آنها می‌توان به شیخ جمعه ابوزلام، مفتی شهر منبج حلب، شیخ عبدالوهاب سکر، شیخ محمد نجیب خیاطه (مؤسس علم قرائات در حلب)، شیخ دکتر محمد ابوزهو (صاحب کتاب الحدیث و المحدثون) و شیخ دکتر محمد السماحی اشاره کرد.^۷

محمود طحان شاگردان فراوانی تربیت کرد که برای نمونه از دکتر عبدالرزاق الشایچی، دکتر محمد العوضی، دکتر حسام‌الدین عفانه (فقیه و مفتی فلسطینی و استاد دانشگاه قدس)، دکتر ولید الطباطبایی و دکتر نهاد عبید می‌توان نام برد.^۸

۲-۲. آثار علمی

محمود طحان آثار علمی متعددی تألیف کرده که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

- الحافظ الخطیب البغدادي و أثره في علوم الحديث^۹
- تیسیر مصطلح الحدیث
- اصول التخریج و دراسة الاسانید
- عناية المحدثین بمتن الحدیث کعنایتهم بالاسانید
- معجم المصطلحات الحدیثیة
- تحقیق کتاب الجامع لاخلاق الراوی و آداب السامع خطیب بغدادی^{۱۰}

۲-۳. مدارج و منصب‌های علمی

طحان پس از گذراندن دروس مقدماتی به شهر منبج رفت و مدتی در آنجا به تحصیل پرداخت. وی توانست در مدت دو سال

در مدرسه حقاظ قرآن را حفظ کند و سپس به دانشکده حقوق دانشگاه دمشق راه یابد. او کارشناسی ارشد خود را در عربستان اخذ کرد و پس از آن موفق به اخذ دکترا از دانشکده الهیات دانشگاه الازهر مصر گردید.

محمود طحان از عالمان برجسته معاصر در علوم حدیث است. وی از اساتید دانشگاه اسلامی مدینه، دانشکده حقوق دانشگاه ریاض و دانشکده مطالعات اسلامی و شریعت دانشگاه کویت بوده است. طحان در سن ۷۰ سالگی به زادگاهش حلب بازگشت.^{۱۱}

ب) معرفی کتاب

این بخش از مقاله به معرفی کتاب و شناسایی ساختار و محتوای هر فصل اختصاص یافته است. اولین گام برای شناسایی هر کتاب، آشنایی با ویژگی‌های کلی آن، مانند دانستن نام صحیح کتاب، انگیزه تألیف، تاریخ تألیف، سال چاپ و انتشارات آن است.

۲. نام و مشخصات ظاهری کتاب

نام کامل این کتاب «أصول التخریج و دراسة الأسانید» است. براساس جستجوی انجام شده، این کتاب تاکنون توسط دو انتشارات به چاپ رسیده است:

۱. انتشارات دارالقرآن الکریم بیروت که آن را در یک جلد و ۲۵۱ صفحه به چاپ رسانده است.
۲. مکتبة المعارف للنشر و التوزیع ریاض این کتاب را در ۲۲۰ صفحه تنظیم و چاپ کرده است.

بررسی و نقد: در نگاه اول به نظر می‌رسد عنوان کتاب با محتویات آن تناسب چندانی ندارد؛ زیرا مؤلف در این کتاب، طرق تخریج را معرفی کرده در حالی که نام کتاب را اصول تخریج نهاده است. هر چند اصول به معنای روش‌ها و طرق نیز به کار می‌رود، اما عنوان «طرق التخریج و دراسة الاسانید» گویاتر به نظر می‌رسد.

۳. موضوع و محتویات کتاب

محمود طحان درباره موضوع کتاب خود می‌گوید:

قواعدی که می‌تواند در آسان‌سازی شناخت موضع و جایگاه احادیث نبوی از مصادر اصلی، برای طلاب علوم دینی در این زمان مؤثر باشد را در این کتاب آوردم. همچنین مشهورترین طرق تخریج حدیث را که با استقراء و ممارست

۶. رک به: www.ar.wikipedia.org www.shamela.ws

۷. رک به: همان.

۸. رک به: همان.

۹. این اثر رساله دکتری او بوده است.

۱۰. رک به: وبسایت www.ar.wikipedia.org www.shamela.ws

۱۱. رک به: همان.

این پژوهش درصدد ارزیابی و اعتبارسنجی کتاب اصول التخریج و دراسة الاسانید نیست، اما به طور کلی موقعیت علمی مؤلف، ساختار کتاب، مطالب و نکات علمی، خصوصیات ظاهری کتاب (مانند مقدمه و خاتمه) و انتشار آن به صورت گسترده^{۱۶} که دال بر رویکرد و توجه جامعه علمی به آن است، حاکی از اعتبار این کتاب در دانش تخریج است.

ج) تحلیل و نقد ساختاری و محتوایی کتاب

محمود طحان کتاب خود را با خطبه‌ای شروع کرده، پس از ذکر برخی مباحث پیش‌نیاز با عنوان مقدمه، در مرحله بعد مطالب خود را در دو بخش «طرق التخریج» و «دراسة الاسانید و الحکم علی الحدیث» بیان می‌کند و با «خاتمه» آن را به پایان می‌رساند. در این بخش از پژوهش، پس از تبیین متن کتاب «اصول التخریج و دراسة الاسانید» به نقد و بررسی هر فصل پرداخته می‌شود.

۶. پیشگفتار کتاب

طحان در ابتدای کتاب که آن را «خطبه» نامیده، پس از حمد و ثنای الهی و ذکر صلوات بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به رضوان الهی بر اصحاب آن حضرت پرداخته و برای علمای عاملین طلب غفران و رحمت می‌کند. آن‌گاه موضوع و محتویات کتاب و در مرحله بعد انگیزه تألیف خود را بیان می‌کند. او کتاب خود در این زمینه را تألیفی نودانسته و می‌گوید:

کتابم را پس از تألیف بر متخصصان حدیث عرضه کردم و توجیحات و ملاحظات آنها را جهت غنای علمی کتاب لحاظ کردم.^{۱۷}

وی همچنین از همه اساتید و محققان علم حدیث درخواست می‌کند که نکات علمی مورد نظر خود را برای اصلاح در چاپ‌های بعد به او ارائه کنند.

۷. مقدمه کتاب

محمود طحان چهار مطلب مهم را به عنوان مباحث مقدماتی مورد نیاز در این رشته در فصلی جداگانه به عنوان مقدمه آورده است.

- تعریف تخریج: وی ابتدا به تعریف لغوی تخریج پرداخته، سپس آن را از منظر محدثان تعریف می‌کند و در نهایت به شرح تعریف اصطلاحی می‌پردازد.

به آن رسیده‌ام، تبیین نموده‌ام. کیفیت دراسة الاسانید، طریقه اخراج ترجمه راویان و روش حکم بر حدیث و بیان مرتبه آن نیز ذکر کرده‌ام.^{۱۲}

نکته مهمی که مؤلف به آن اشاره می‌کند این‌که بسیاری از مصادر حدیثی و علوم حدیثی را به طور اجمال به مناسبت‌های مختلف شناسایی و معرفی کرده است. او می‌گوید:

این کار بدان جهت است که شناخت کتاب‌های حدیث و علوم حدیث، کمک‌کار بزرگی برای شناخت مکان حدیث و تخریج آن است.^{۱۳}

۴. انگیزه و تاریخ نگارش

هر کتاب بر اساس انگیزه‌ای تألیف شده است. انگیزه تألیف می‌تواند در انتخاب مطالب و نوع چینش آنها تأثیرگذار باشد.

محمود طحان انگیزه تألیف خود را دورشدن جامعه علمی از کتاب‌های حدیث و علوم حدیث می‌داند. او می‌گوید:

نسبت به طریقه تصنیف و ترتیب کتاب‌های حدیث جهالت وجود دارد؛ چه رسد به موضع احادیث در اصول. ترسیدم اگر این وضع ادامه پیدا کند این علم به کلی مندرس شده و از بین برود، لذا با وجود اینکه استاد این میدان نبودم، ولی حاجت و فقدان کتابی در این زمینه مرا به تألیف این کتاب سوق داد؛ خصوصاً وقتی که ماده درسی التخریج و دراسة الاسانید در دانشگاه ریاض به من سپرده شد.^{۱۴}

۵. پیشینه اصول التخریج

مؤلف کتاب اصول التخریج و دراسة الاسانید می‌گوید: «در بین علمای متقدم و متأخر کسی که قبل از من در اصول تخریج بحث و یا تصنیف کرده باشد نیافتم».^{۱۵}

بررسی نگارنده این مقاله با توجه به کتاب‌های موجود در مباحث نظری دانش تخریج، این نتیجه را نشان می‌دهد که وی اولین کسی است که در زمینه اصول تخریج کتابی مستقل تألیف کرد.

۶. اهمیت و اعتبار کتاب

۱۲. اصول التخریج و دراسة الاسانید، ص ۳.

۱۳. همان، ص ۴.

۱۴. همان.

۱۵. همان، ص ۵.

۱۶. این کتاب علاوه بر چاپ‌های کاغذی، به صورت الکترونیکی هم در سایت‌های مختلف انتشار یافته و کاربران و حدیث‌پژوهان فراوانی از آن استفاده کرده‌اند.

۱۷. همان، ص ۶.

- اهمیت، فایده و دلیل نیاز به تخریج.

- بحثی مختصر از تاریخ تخریج.

- مشهورترین کتاب‌های تخریج و معرفی برخی از آنها و شناخت مختصری از مؤلفان آنها.

مؤلف از ده کتاب مهم تخریج نام می‌برد، سپس به معرفی چهار کتاب می‌پردازد: الف) نصب الرایه لأحدیث الهدایه، تألیف جمال‌الدین ابومحمد عبدالله بن یوسف الزلیعی (م ۷۶۲ق) ب) الدرایه فی تخریج أحدیث الهدایه، تألیف ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) ج) التلخیص الحبیری فی تخریج أحدیث شرح الوجیز الکبیر، تألیف ابن حجر عسقلانی د) المغنی عن حمل الاسفار فی الاسفار فی تخریج ما فی الاحیاء من الاخبار، تألیف زین‌الدین عبدالرحیم بن الحسین العراقی (م ۸۰۶ق).

بررسی و نقد

این کتاب از مقدمه خوبی برخوردار است. غالب مطالب مورد نیاز دانش‌پژوه در آن بیان شده است. طحان تعریف، ضرورت، اهمیت، فایده، تاریخچه مختصری از تخریج و آشنایی اجمالی با کتاب‌های تخریج را به خوبی مطرح کرده است. با این همه در تعریف تخریج دو نکته مورد نقد است. اول اینکه عناوین مؤلف دارای اشکال است؛ زیرا وی عنوان‌های تعریف تخریج را بدین گونه تقسیم کرده است: الف) تعریف التخریج لغة ب) التخریج عند المحدثین الف) تعریف التخریج اصطلاحاً ب) شرح التعریف.

وی در بخش التخریج عند المحدثین، سه معنا و نظر را ارائه می‌دهد، آن‌گاه خودش نظر سوم را می‌پذیرد و در قسمت تعریف التخریج اصطلاحاً، دوباره همان تعریف را ارائه می‌دهد و با الف) عنوان‌گذاری می‌کند، در حالی که این تقسیم‌بندی به دلیل منطقی نبودن، باعث خلط مباحث و تشویش ذهن مخاطب می‌شود؛ چون معلوم نیست این عنوان قسیم چه عنوانی است و مقسم آن چیست.

محمود طحان می‌توانست به گونه‌ای این تقسیم را ارائه کند که علاوه برداشتن مزایای تقسیم موجود، اشکالات آن را دارا نباشد. برای نمونه بگوید: الف) تعریف التخریج لغة ب) تعریف التخریج اصطلاحاً. آن‌گاه در بخش تعریف اصطلاحی می‌توانست پس از ارائه نظرات مختلف محدثان در تعریف تخریج، نظر برگزیده خود را بیان کند و سپس به شرح آن بپردازد.

اشکال دومی که می‌توان بر آن گرفت این است که وی در تعریف تخریج، بیان مرتبه حدیث را هم جزء دایره تخریج آورده است، در حالی که تخریج فقط همان دلالت و راهنمایی به موضع حدیث در مصادر اصلی است؛ چنان‌که خود او در «التخریج عند المحدثین» به این مطلب اشاره کرده^{۱۸} و تعریف سومی که از محدثان ارائه می‌دهد و آن را می‌پذیرد، چیزی بیش از آن نیست.

۸. بخش‌های کتاب

مؤلف کتاب خود را به دو بخش اصلی تقسیم کرده و هر بخش را یک باب نام نهاده است. باب اول را «طرق التخریج» و باب دوم را «دراسة الاسانید والحکم علی الحدیث» نام‌گذاری کرده است. محمود طحان بخش اول کتاب خود را در پنج فصل تنظیم کرده که هر فصل را به یکی از طرق تخریج حدیث اختصاص داده است. او معتقد است طرق تخریج به انحصار عقلی و دلیل استقراء عملی که انجام گرفته منحصر در همین پنج روش است.^{۱۹}

در این قسمت هریک از فصل‌های هر بخش از کتاب «اصول التخریج و دراسة الاسانید» بیان و نقد و

۱۸. رک به: همان، ص ۱۰.

۱۹. رک به: همان، ص ۳۷.

نخستین کتابی که به صورت مستقل در زمینه مباحث نظری دانش تخریج تألیف شده، «اصول التخریج و دراسة الاسانید» اثر محمود طحان از عالمان معاصر است. با توجه به جایگاه ویژه این اثر در میان کتاب‌های نظری تخریج و همچنین عدم وجود پژوهشی مستقل در راستای شناسایی و تحلیل این کتاب، تحقیقی جامع برای شناخت تحلیلی این اثر ضروری می‌نماید.

بررسی می‌شود.

۱-۳. بخش اول کتاب: «طرق التخریج»

ترتیب عناوین فصل‌های باب اول به این‌گونه است:

التخریج عن طریق معرفة راوی الحدیث من الصحابة

۱. التخریج عن طریق معرفة اول لفظ من متن الحدیث

۲. التخریج عن طریق معرفة لفظ (بارز أو لا یکثر دورانه) من أي جزء من متن الحدیث

۳. التخریج عن طریق معرفة موضوع الحدیث، أو موضوع من موضوعاته إن كان یشتمل علی عدد من الم
وضوعات

۴. التخریج عن طریق النظر فی صفات خاصة فی سند الحدیث أو متنه.^{۲۰}

آشنایی با انواع مختلف منابع حدیثی در کاربست بهتر طرق تخریج حدیث مؤثر است. به همین دلیل محمود طحان در هر یک از طرق تخریج، منابع کاربردی در آن طریق را معرفی می‌کند.

فصل اول: التخریج عن طریق معرفة راوی الحدیث من الصحابة

مؤلف کاربرد طریق اول تخریج، یعنی از راه شناخت اولین راوی حدیث را فقط زمانی می‌داند که نام صحابی ناقل، در حدیث ذکر شده باشد یا بتوانیم او را شناسایی کنیم. در این روش باید از سه گونه تألیف کمک گرفت: الف) کتاب‌های مسند ب) کتاب‌های معجم ج) کتاب‌های اطراف. طحان پس از تعریف کتاب مسند، تعداد مسانید را بیش از یک صد کتاب دانسته و می‌گوید:

کتانی در «الرسالة المستطرفة» از ۸۲ کتاب نام برده است.

او سپس از ده مسند مشهور نام می‌برد و مسند حمیدی تألیف ابی بکر عبدالله بن زبیر حمیدی (م ۲۱۹ق) و مسند احمد حنبل (م ۲۴۱ق) را به تفصیل معرفی می‌کند.^{۲۱} در عنوان معجم پس از ارائه تعریف مختصری از کتاب معجم، پنج معجم مشهور را نام برده است. وی در عنوان کتاب‌های اطراف، مفصل بحث کرده است. حقیقت اطراف، ترتیب کتاب‌های اطراف، معنا و فایده کتاب‌های اطراف را بیان کرده، آنگاه از هفت کتاب معروف اطراف‌نگاری نام می‌برد. طحان پس از بیان این مطلب، کتاب «تحفة الاشراف بمعرفة الاطراف» تألیف یوسف بن عبدالرحمن مزی (م ۷۴۲ق) و «ذخائر الموارث فی الدلالة علی مواضع الحدیث» تألیف عبدالغنی نابلسی (م ۱۱۴۳ق) را به صورت مبسوط معرفی می‌کند.^{۲۲}

بررسی و نقد

دقت در این بخش، چند مطلب به دست می‌دهد: طحان از بین ۱۰ مسندی که نام می‌برد فقط دو کتاب را معرفی می‌کند، اما دلیل اینکه چرا فقط این دو کتاب را معرفی کرده روشن نیست. نکته جالب توجه اینکه مؤلف، علت آوردن کتاب‌های اطراف در این قسمت را به خوبی بیان می‌کند و این در حقیقت پاسخی به شبهه مقدر است که توجه مؤلف به این مطلب را می‌رساند. او می‌گوید:

درست است که کتاب‌های اطراف مانند کتاب‌های مسند، محقق را به متن کامل حدیث نمی‌رساند، ولی به هر حال به عنوان راهنما برای رسیدن به متن کامل حدیث بسیار سودمند هستند.^{۲۳}

۲۰. رک به: همان، ص ۳۷ و ۳۸.

۲۱. رک به: همان، ص ۴۰-۴۴.

۲۲. رک به: همان، ص ۵۱-۶۱.

۲۳. رک به: همان، ص ۵۰.

محمود طحان از عالمان برجسته معاصر در علوم حدیث است. وی از اساتید دانشگاه اسلامی مدینه، دانشکده حقوق دانشگاه ریاض و دانشکده مطالعات اسلامی و شریعت دانشگاه کویت بوده است. طحان در سن ۷۰ سالگی به زادگاهش حلب بازگشت.

الصحيحين»، تألیف محمد الشریف التوقادی (م ۱۳۱۲ق)، «مفتاح الترتیب لاحادیث تاریخ الخطیب» تألیف سیداحمد الصدیق الغماری، «البغیه فی ترتیب أحادیث الحلیه»، تألیف سیدعبدالعزیز الصدیق الغماری و «الفهرس لاحادیث صحیح مسلم القویلیه»، «مفتاح الموطا و مفتاح سنن ابن ماجه» که هر سه تألیف محمد فؤاد عبدالباقی هستند به شکل کامل معرفی می‌کند.^{۲۶}

بررسی و نقد

اشکال عمده این فصل بیان نکردن معیار و ملاکی برای چینش و تقدم و تأخر کتاب‌های نام است.

فصل سوم: التخریج عن طریق معرفة لفظ (بارزاً و لا یكثر دورانه) من أي جزء من متن الحديث

سومین فصل این بخش به طریق سوم (تخریج براساس کلمات نادر هر متن) اختصاص یافته است. طحان بدون آنکه در مورد این طریق بحثی ارائه کند، تنها از کتاب «المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی» به عنوان کتاب کاربردی این طریق نام برده و آن را مفصل معرفی می‌کند.^{۲۷}

بررسی و نقد

به نظر می‌رسد برای آشنایی مخاطبان با این طریق تخریج لازم بود ابتدا توضیحی درباره آن آورده یا به موارد کاربرد این طریق اشاره می‌نمود. همچنین برای اتقان مطلب لازم است نمونه‌های دیگری از این دست کتاب‌ها نام برده شود و تنها به یک کتاب اکتفا نشود و اگر کتاب دیگری در این مورد نیست به آن اشاره شود.

فصل چهارم: التخریج عن طریق معرفة موضوع الحديث، أو موضوع من موضوعاته إن كان یشتمل علی عدد من الموضوعات

چهارمین فصل به روش چهارم تخریج، یعنی تخریج از طریق شناخت موضوع حدیث اختصاص یافته است. مؤلف پس از بیان موارد کاربرد این طریق در تخریج حدیث، به کتاب‌هایی که در این شیوه کاربرد دارد می‌پردازد. طحان می‌گوید:

همه تألیفات حدیثی که براساس ابواب و موضوعات مرتب شده در این روش کاربرد دارد که می‌توان آنها را به سه قسم تقسیم کرد: الف) کتاب‌هایی که محدوده آن جمیع ابواب دین است.

اما در قسمت معاجم به نظر می‌رسد نیاز به تبیین و معرفی بیشتر وجود دارد.

فصل دوم: التخریج عن طریق معرفة اول لفظ من متن الحديث
در فصل دوم مؤلف ابتدا کاربرد طریق دوم را بیان می‌کند. وی معتقد است این طریق تخریج (شناخت الفاظ ابتدای متن حدیث) در مواردی کاربرد دارد که تأکید بر شناخت اولین کلمه حدیث باشد. طحان سه دسته کتاب که در این روش تخریج سودمند است معرفی می‌کند. الف) کتاب‌هایی که در احادیث مشهور تصنیف شده است. ب) کتاب‌هایی که احادیث در آنها براساس حروف معجم مرتب شده است. ج) کتاب‌ها و فهرست‌هایی که عالمان آنها را برای کتاب خاصی تألیف کرده‌اند.

او پس از تعریف کتاب‌های گروه اول، ده کتاب که احادیث مشهور بین مردم را جمع‌آوری کرده‌اند نام می‌برد. آن‌گاه کتاب «المقاصد الحسنه فی بیان کثیر من الاحادیث المشهره بین الالسنه»، تألیف محمد بن عبدالرحمن سخاوی (م ۹۰۲ق)، «تمییز الطیب من الخبیث فیما یدور علی السنه الناس من الحدیث»، تألیف عبدالرحمن بن علی بن بدیع شیبانی (م ۹۴۴ق)، «کشف الخفاء و مزیل الالباس عما اشهر من الاحادیث علی السنه الناس»، تألیف اسماعیل بن محمد عجلونی (م ۱۱۶۲ق) و کتاب «أسنی المطالب فی احادیث مختلفه المراتب»، تألیف محمد بن درویش بیروتی (م ۱۲۷۶ق) را به شکل مفصل‌تر معرفی می‌کند.^{۲۴}

در مرحله بعد به کتاب‌هایی که احادیث را براساس حروف معجم مرتب کرده‌اند پرداخته است. او می‌گوید:

در بین کتاب‌های اصول که احادیث را با سند جمع‌آوری کرده‌اند، کتابی که با این روش تألیف شده باشد ندیده‌ام و فقط متأخران که احادیث را از اصول مختلف گرفته‌اند، با حذف سندها برای دست‌یابی آسان‌تر به احادیث، آنها را براساس حروف معجم مرتب کرده‌اند.

مصنف از کتاب‌های «الجامع الصغیر من حدیث البشیر النذیر»، تألیف جلال‌الدین سیوطی (۹۱۱ق)، «الجامع الکبیر، الزیاده علی کتاب الجامع الصغیر» و «الفتح الکبیر فی ضم الزیاده إلی الجامع الصغیر» به عنوان نمونه نام می‌برد.^{۲۵}

در دسته سوم شش کتاب را معرفی کرده است. آن‌گاه «مفتاح

۲۶. رک به: همان، ص ۷۶-۸۹.

۲۷. رک به: همان، ص ۹۲-۱۰۵.

۲۴. رک به: همان، ص ۶۷-۷۱.

۲۵. رک به: همان، ص ۷۲-۷۵.

ب) کتاب‌هایی که محدوده موضوعی آن اکثر ابواب دین است.
ج) مصنفاً که محدوده آن فقط یک باب از ابواب یا موضوعی خاص از موضوعات دینی است.^{۲۸}
می‌برد.^{۲۳}

۶. کتاب «مفتاح کنوز السنة». طحان این کتاب که توسط مستشرق هلندی تألیف شده و به زبان انگلیسی بوده را به طور مجزا و مفصل معرفی می‌کند.^{۳۴}

بررسی و نقد

اینکه مؤلف در ابتدای هر بخش (جوامع، مستخرج، مستدرک، مجامیع و زوائد) آنها را تعریف کرده و مقصود از آنها را بیان کرده نقطه قوتی است که در تفهیم بحث به دانش پژوه کارایی فراوانی دارد، اما لازم بود دلیل جدا آوردن کتاب مفتاح کنوز السنة را بیان می‌کرد که به چه علت جزء هیچ کدام از مجموعه‌های اخیر قرار نگرفته است.

ب) محمود طحان، مشهورترین مصنفاً گروه دوم (کتاب‌هایی که براساس ابواب مرتب شده و مشتمل بر اکثر ابواب و موضوعات دین است) را سنن، مصنفاً، موطات و مستخرجات علیها معرفی می‌کند.

۱. السنن. مؤلف ابتدا به تعریف کتاب‌های سنن پرداخته و از سنن ابی داود (م ۲۷۵ق)، نسایی (م ۳۰۳ق)، ابن ماجه (م ۲۷۵ق)، شافعی (م ۲۰۴ق)، بیهقی (م ۴۵۸ق)، دارقطنی (م ۳۸۵ق) و دارمی (م ۲۵۵ق) به عنوان مهم‌ترین کتاب‌های سنن نام می‌برد.^{۳۵}

۲. المصنفاً. پس از تعریف لفظ مصنف، پنج مصنف مهم از جمله مصنف عبدالرزاق صنعانی (م ۲۱۱ق) را نام می‌برد.

۳. الموطآت. طحان ابتدا لغت موطا را بررسی کرده و پس از علت بیان نام‌گذاری این کتاب‌ها به موطا از سه کتاب از جمله موطا مالک (م ۱۷۹ق) نام برده است.

۴. المستخرجات علیها. مقصود از آن مستخرجات بر کتاب‌های نوع دوم (سنن، مصنفاً، موطآت) است. در این قسمت فقط از المستخرجات قاسم بن اصیغ نام برده است.^{۳۶}

بررسی و نقد

به نظر می‌رسد براساس اسلوب و قاعده خاصی کتاب‌ها گزینش

۱. الجوامع. پس از تعریف جوامع از الجامع الصحیح للبخاری، الجامع الصحیح لمسلم، جامع عبدالرزاق، جامع الثوری، جامع ابن عیینه، جامع معمر و جامع الترمذی را به عنوان مهم‌ترین جوامع حدیثی نام می‌برد و کتاب بخاری را معرفی می‌کند.^{۲۹}

۲. المستخرجات علی الصحیحین. پس از تعریف مستخرج و بیان نکاتی درباره آن از مستخرج اسماعیلی (م ۳۷۱ق)، مستخرج غطریفی (م ۳۷۷ق) و مستخرج ابن ابی ذهل (م ۳۷۸ق) به عنوان مهم‌ترین مستخرجات بر کتاب بخاری نام می‌برد. او همچنین از مستخرج ابی عتوانه الاسفراینی (م ۳۱۰ق)، مستخرج الحیری (م ۳۱۱ق) و مستخرج ابی حامد الهروی (م ۳۵۵ق) به عنوان مهم‌ترین مستخرجات بر صحیح مسلم نام می‌برد. پس از آن مستخرج ابی نُعیم اصفهانی (م ۴۳۰ق)، مستخرج ابن أُخرم (م ۳۴۴ق) و مستخرج ابی بکر برقانی (م ۴۲۵ق) را به عنوان مهم‌ترین مستخرجات علی الصحیحین نام می‌برد.^{۳۰}

۳. المستدرکات علی الجوامع. در این قسمت پس از تعریف مستدرک به معرفی المستدرک علی الصحیحین تألیف حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ق) می‌پردازد.^{۳۱}

۴. المجامیع. در این مرحله از کتاب‌های الجمع بین الصحیحین تألیف صاغانی (م ۶۵ق)، الجمع بین الصحیحین تألیف محمد بن ابی نصر فتوح حمیدی (م ۴۸۸ق)، الجمع بین الاصول الستة تألیف رزین بن معاویه اندلسی (م ۵۳۵ق)، جامع الاصول من احادیث الرسول تألیف ابن اثیر (م ۶۰۶ق) و جمع الفوائد من جامع الاصول تألیف سلیمان مغربی (م ۱۰۹۴ق) نام می‌برد.^{۳۲}

۵. الزوائد. برای نمونه از چند کتاب «مصباح الزجاجة فی زوائد ابن ماجه»، «فوائد المنتقی لزوائد البیهقی» و «اتحاف السادة المهرة الخیره» تألیف بوصیری (م ۸۴۰ق)، «المطالب العالیه

۲۸. رک به: همان، ص ۱۰۸.

۲۹. رک به: همان، ص ۱۱۰.

۳۰. رک به: همان، ص ۱۱۴-۱۱۶.

۳۱. رک به: همان، ص ۱۱۶.

۳۲. رک به: همان، ص ۱۱۷.

۳۳. رک به: همان، ص ۱۱۹.

۳۴. رک به: همان، ص ۱۲۰-۱۳۰.

۳۵. رک به: همان، ص ۱۳۰-۱۳۳.

۳۶. رک به: همان، ص ۱۳۶.

و معرفی نشده‌اند. برای نمونه در کتاب‌های سنن فقط از چند کتاب نام برده و هیچ کدام را معرفی نکرده است. در یک صفحه بدون هیچ توضیحی، نام کتاب‌های موجود در سنن ابی داود را بیان کرده است. نمونه دیگر اینکه کتاب‌های مصنفات و موطات را بدون معرفی رها کرده است. نمونه‌هایی از این دست باعث بی‌نظمی و بهم‌ریختگی کتاب شده است.

ج) نوع سوم کتاب‌هایی است که احادیث بابی خاص را در برمی‌گیرد. مشهورترین این کتاب‌ها در هشت دسته نام برده می‌شود.

۱. الاجزاء مانند جزء رفع الیدین فی الصلاة تألیف بخاری.

۲. الترغیب و الترہیب مانند الترغیب و الترہیب تألیف منذری (۶۵۶ق).

۳. الزهد و الفضائل و الآداب و الاخلاق مانند کتاب الزهد احمد حنبل (۲۴۱ق).

۴. الاحکام مانند الاحکام تألیف مقدسی (۶۰۰ق).

۵. موضوعات خاصه مانند کتاب الاسماء و الصفات تألیف ابی بکر بیهقی (۴۵۸ق).

۶. کتب الفنون الاخری. مقصود کتاب‌هایی است که در غیر حدیث تألیف شده، اما در خلال آن احادیث فراوانی وارد شده است، مانند کتاب‌های تفسیر، فقه و تاریخ. برای نمونه می‌توان از تفسیر طبری (۳۱۰ق) نام برد.

۷. کتب تخریج. در ابتدای کتاب به طور مفصل در مورد کتاب‌های تخریج توضیح داده شده و مهم‌ترین آنها معرفی شده است.

۸. الشروح الحدیثیه و التعليقات علیها، مانند فتح الباری بشرح صحیح البخاری تألیف ابن حجر عسقلانی.

بررسی و نقد

به نظر می‌رسد برای تفهیم بحث لازم بود در کتب تخریج بحث بیشتری ارائه می‌شد و فرق بین این عنوان با عنوان کلی تخریج که عنوان کتاب نیز است مشخص می‌شد.

فصل پنجم: التخریج عن طریق النظر فی صفات خاصة فی سند الحدیث أو متنه

این فصل به توضیح پنج‌مین طریق تخریج، یعنی نظر در متن و سند حدیث اختصاص دارد. مؤلف مباحث این فصل را به سه قسمت تقسیم می‌کند.

الف) متن: در این قسمت به صفاتی که در متن حدیث است می‌پردازد؛ مثلاً هنگامی که در متن حدیث اماره‌ای بوضع باشد (مانند مخالفت صریح با قرآن، فساد معنا و رکاکت لفظ)، آن را باید در کتاب‌های موضوعات جستجو کرد یا اگر حدیث از احادیث قدسی باشد، نزدیک‌ترین مصدر برای آن کتاب‌های احادیث قدسیه مانند مشکاة الانوار تألیف محی الدین اندلسی (۶۳۸ق) است.^{۳۷}

ب) سند: در مواردی کاربرد دارد که نکته لطیفی از مباحث اسناد در آن باشد؛ مثلاً پدر از پسر روایت کند. در این موارد بهترین مصدر رجوع به کتاب‌هایی است که روایات پدران از پسران را جمع کرده است؛ مانند کتاب «روایة الآباء عن الابناء» از خطیب بغدادی (۴۶۳ق) یا مثلاً اسناد در آن حدیث مسلسل باشد که به کتاب‌های مسلسلات مانند «مسلسلات کبری» تألیف سیوطی رجوع می‌شود یا اگر سند مرسل باشد باید به کتاب‌های مراسیل مانند مراسیل ابی داود سجستانی رجوع کرد.

ج) متن و سند: صفات و احوالی که گاهی در متن است و گاهی در سند. برای نمونه می‌توان از کتاب

۳۷. رک به: همان، ص ۱۴۹.

این کتاب از مقدمه خوبی برخوردار است. غالب مطالب مورد نیاز دانش پژوه در آن بیان شده است. طحان تعریف، ضرورت، اهمیت، فایده، تاریخچه مختصری از تخریج و آشنایی اجمالی با کتاب‌های تخریج را به خوبی مطرح کرده است. با این همه در تعریف تخریج دو نکته مورد نقد است. اول اینکه عناوین مؤلف دارای اشکال است؛ زیرا وی عنوان‌های تعریف تخریج را بدین‌گونه تقسیم کرده است: الف) تعریف التخریج لغة ب) التخریج عند المحدثین الف) تعریف التخریج اصطلاحاً ب) شرح التعریف.

علل الحدیث تألیف ابی حاتم رازی نام برد.^{۳۸}

بررسی و نقد

طحان اصل مباحث این فصل را به خوبی تبیین کرده، ولی هیچ یک از منابع و کتاب‌هایی که در این روش کاربرد دارند را معرفی تفصیلی نکرده است. این امر علاوه بر اینکه نظم کتاب را به هم می‌زند، باعث نوعی نقصان در مطلب نیز شده است.

۲-۳. بخش دوم کتاب: دراسة الاسانید و الحکم علی الحدیث

محمود طحان بخش دوم کتاب خود را به مباحث سندی و حکم بر حدیث اختصاص داده است. او این بخش از کتاب را به سه فصل تقسیم کرده است.

۱. ما تحتاجه دراسة الاسانید من علم الجرح و التعديل

۲. أنواع الكتب المولفة فی تراجم الرجال و دراسة أشهرها

۳. مراحل دراسة الاسانید^{۳۹}

فصل اول: ما تحتاجه دراسة الاسانید من علم الجرح و التعديل

مؤلف در فصل اول ذیل یک مقدمه به تعریف «دراسة الاسانید» و «الحکم علی الحدیث» می‌پردازد. سپس حدیث را متشکل از دو قسم دانسته است: سند و متن. طحان پس از تعریف سند و اهمیت آن، مباحث اصلی خود را در هشت عنوان مطرح می‌کند: ۱. ضرورت نیاز به علم جرح و تعدیل ۲. شروط قبول راوی ۳. راه‌های اثبات عدالت ۴. مذهب ابن عبدالبر در ثبوت عدالت ۵. چگونگی شناخت ضبط راوی ۶. قبول یا عدم قبول جرح و تعدیل بدون بیان سبب ۷. اثبات یا عدم اثبات جرح و تعدیل با قول یک نفر ۸. اجتماع جرح و تعدیل در راوی واحد.

پس از بیان این مباحث، الفاظ جرح و تعدیل و مراتب آن را بیان می‌کند.

بررسی و نقد

گرچه برخی مباحث مورد نیاز به یک دانش پژوه در مورد بحث دراسة الاسانید را به خوبی تبیین کرده است، اما دو اشکال برای این مبحث وارد است: اولاً برخی مطالب که بیان آنها ضرورت دارد آورده نشده است؛ مانند هدف و فایده این بحث. ثانیاً بر اصل آوردن مبحث دراسة الاسانید در این کتاب اشکال می‌شود؛ زیرا گرچه آموزش این مطالب برای دانش پژوه ضرورت دارد و دراسة الاسانید وابسته به تخریج است، اما نمی‌توان آن را جزء علم تخریج محسوب کرد. از طرف دیگر آنچه از معنای لغوی و تطبیق آن بر اصطلاح تخریج فهمیده می‌شود این است که تخریج چیزی جز دلالت بر مصادر حدیث نیست؛ لذا در تعریف‌های متعددی که در ابتدای کتاب ایشان ارائه شده، غالب محدثان، دراسة الاسانید را داخل در معنای تخریج نکرده‌اند.

از لحاظ شکلی هم اشکالاتی برای این مبحث وارد است. برای نمونه الفاظ جرح و تعدیل و مراتب آن را بیان کرده، اما تقسیم و مقسم آن را مشخص نکرده است.

فصل دوم: أنواع الكتب المولفة فی تراجم الرجال و دراسة أشهرها

مؤلف در فصل دوم که به نام «انواع کتاب‌های تألیف شده در رجال» نام‌گذاری کرده است، ابتدا تاریخچه تألیف کتاب‌های رجال را بیان کرده، آنگاه مشهورترین تألیف‌ها در رجال را به هفت قسمت تقسیم می‌کند.

۳۸. رک به: همان، ص ۱۵۲.

۳۹. رک به: همان، ص ۱۵۳.

همه تألیفات حدیثی که بر اساس ابواب و موضوعات مرتب شده در این روش کاربرد دارد که می‌توان آنها را به سه قسم تقسیم کرد: الف) کتاب‌هایی که محدوده آن جمیع ابواب دین است. ب) کتاب‌هایی که محدوده موضوعی آن اکثر ابواب دین است. ج) مصنفاتی که محدوده آن فقط یک باب از ابواب یا موضوعی خاص از موضوعات دینی است.

فصل سوم: مراحل دراسة الاسانید

این فصل به مراحل دراسة الاسانید اختصاص یافته است. محمود طحان می‌گوید:

احادیثی که ائمه گذشته با دقت و توجه کافی در آنها بحث کرده‌اند نیاز به بررسی مجدد سندی ندارند؛ لذا این کاری بی‌فایده است و مانند کسی است که می‌خواهد آب دریا را کیل و وزن کند که نه این کار برای او ممکن است و نه فایده‌ای دارد.^{۴۳}

مؤلف کتاب اصول التخریج و دراسة الاسانید، احادیثی که ائمه گذشته در سند و متن آنها بحث کرده‌اند و به نظر او نیازی به بررسی مجدد ندارند را در چهار دسته تقسیم کرده است.

۱. احادیثی که در صحیحین یا یکی از آنها موجود است.
۲. احادیثی که در کتاب‌هایی آمده است که مؤلفان آنها ادعای التزام به صحت احادیث کتاب خود دارند، مانند «صحیح ابن خزیمه» و «صحیح ابن حبان».

۳. احادیثی که در کتاب‌هایی آمده که مؤلفان آنها ملتزم به نقل روایات صحیح نشده‌اند؛ لذا مجرد وجود یک حدیث در این کتاب‌ها مجوز عدم بررسی آنها نیست، اما همین مؤلفان نص بر صحت برخی روایات کتاب خود کرده‌اند. در این صورت آن روایات نیاز به بررسی مجدد ندارد؛ مانند «سنن ابی داود»، «جامع ترمذی» و «سنن نسایی».

۴. هر حدیثی که ائمه گذشته حکم و مرتبه آن را بیان کرده باشند؛ مانند احادیثی که ترمذی آنها را صحیح یا ضعیف دانسته است.

طریقه دراسة الاسانید: محمود طحان در اثنای همین فصل، ذیل عنوانی با نام طریقه دراسة الاسانید می‌گوید:

به دلیل اینکه علمای مصطلح الحدیث اتفاق دارند بر اینکه شروط حدیث صحیح پنج چیز است، برای شناخت مرتبه حدیث و حکم بر آن لازم است این پنج مورد بررسی شود که عبارتند از: ۱. عدالت روایان ۲. ضبط روایان ۳. اتصال در سند ۴. نبود شدوذ در سند و متن ۵. نبود علت

۱. المصنفات فی معرفة الصحابه. در این قسمت به معرفی کتاب «الاستیعاب فی معرفة الاصحاب» تألیف ابن عبدالبراندلسی، «اسد الغابه فی معرفة الصحابه» تألیف ابن اثیر (م ۶۳۰ق) و «الاصابة فی تمییز الصحابه» تألیف ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) می‌پردازد.

۲. کتب الطبقات. در این قسمت به دو کتاب «الطبقات الکبری» تألیف الواقدی (م ۲۳۰ق) و «تذکره الحفاظ» تألیف ذهبی (م ۷۴۸ق) پرداخته است.

۳. کتب رواة حدیث عامه.^{۴۰} مشهورترین این کتاب‌ها دو کتاب «التاریخ الکبیر» تألیف بخاری (م ۲۵۶ق) و «الجرح و التعدیل» ابن ابی حاتم (م ۳۲۷ق) است.

۴. المصنفات فی رجال کتب مخصوصه. مؤلف در این قسمت از کتاب‌های متعددی نام می‌برد که برای نمونه می‌توان به «رجال صحیح مسلم» تألیف ابن منجویه (م ۴۳۸ق) و «الجمع بین رجال الصحیحین» تألیف مقدسی (م ۵۰۷ق) نام برد.

۵. المصنفات فی الثقات خاصه.^{۴۱} برای نمونه می‌توان از کتاب «الثقات» تألیف العجلی (م ۲۶۱ق) و کتاب «الثقات» محمد بن احمد بن حبان البُستی (م ۳۵۴ق) نام برد.

۶. مصنفات فی الضعفاء خاصه. در این عرصه هم از کتاب‌های فراوانی نام برده شده که برای نمونه می‌توان به «الضعفاء الکبیر» تألیف بخاری و کتاب «الضعفاء العقیلی» (م ۳۲۳ق) نام برد.

۷. المصنفات فی رجال بلاد مخصوصه. برای نمونه می‌توان از کتاب «ذکر اخبار اصبهان» تألیف ابی نعیم اصبهانی (م ۴۳۰ق) و

«تاریخ بغداد» از خطیب بغدادی (م ۴۶۳ق) نام برد.^{۴۲}

بررسی و نقد

نویسنده تقسیم جامع و کاملی از کتاب‌های تألیف شده در رجال ارائه کرده است، اما جاگذاری این فصل در اینجا اشکال است؛ زیرا فصل‌های یک بخش باید تقسیم یکدیگر و مباحث آن مترتب برهم باشد، در حالی که ترتیب و گاهی تناسبی بین مطالب دیده نمی‌شود. نکته دیگر اینکه طحان ضرورت، هدف و فایده‌ای برای این بحث بیان نکرده است.

۴۳. رک به: همان، ص ۲۰۸-۲۱۷. به نظر نگارنده این سطور یکی از اختلافات شیعه و اهل سنت همین است. فقیهان شیعه بررسی و تحلیل سندی یک حدیث توسط عالمی را برای دیگران حجت نمی‌دانند؛ زیرا نوعی تقلید به حساب می‌آید، در حالی که فقیه باید اجتهاد کند علاوه بر آنکه بسیاری از موارد، مبانی با هم متفاوت است و در این صورت پذیرش نظر دیگری ممکن نیست.

۴۰. مقصود از کتب رجال عامه، کتاب‌هایی است که مختص به معرفی رجال کتاب یا کتاب‌هایی خاص نیست یا خاص ثقات یا ضعفاء نیست.

۴۱. مقصود از آن کتاب‌هایی است که خاص روایان ثقه است.

۴۲. رک به: اصول التخریج و دراسة الاسانید، ص ۱۶۸-۲۰۶.

و سپاس الهی را به جا آورده از خداوند درخواست کرده که ضمن اخلاص در عمل، این کار او را نافع برای طلاب علوم دینی و به ویژه محققان عرصه حدیث قرار دهد.

۱۰. فهرست کتاب

این کتاب دارای دو فهرست است: ۱. فهرست منابع ۲. فهرست موضوعات.

بررسی و نقد

فهرست کتاب می تواند در تفهیم مطالب به مخاطب کمک فراوانی کند. فهرست باید به تنهایی معنا داشته باشد و ساختار کتاب را به خوبی بیان کند. به دلیل اینکه کتاب مذکور اولین و از مهم ترین کتاب ها در دانش تخریج است معمولاً مورد ارجاع و استناد است، بنابراین می طلبد که فهرستی جامع برای آن تدوین شود. برای نمونه فهرست آیات و روایات و اشخاص ندارد.

نتیجه گیری

کتاب «اصول التخریج و دراسة الاسانید» اولین کتابی است که در مباحث نظری دانش تخریج تألیف شده است. این کتاب تألیف محمود طحان از عالمان معاصر و پرکار دانش حدیث است. مطالب علمی این کتاب نشان از جامعیت علمی مؤلف در حوزه علوم حدیث دارد. محمود طحان با استقراء توانسته مشهورترین طرق تخریج حدیث را معرفی کند. مطالعه این کتاب نشان می دهد دیدگاه مؤلف در معنا و محدوده تخریج متفاوت از نظر مشهور است؛ زیرا وی مبحث دراسة الاسانید را داخل در تعریف تخریج کرده، در حالی که جزء تعریف مشهور نیست. نکته مهم در تحلیل متن کتاب این که عنوان کتاب با مطالب آن تناسب چندانی ندارد؛ زیرا در کتاب از طرق تخریج بحث شده، در حالی که عنوان کتاب، اصول التخریج است. این کتاب به عنوان یک کتاب آموزشی و درسی نیاز به تدوین جدید دارد؛ زیرا بسیاری از مطالب آن بدون عنوان گذاری و رعایت قسیم و مقسم آورده شده است.

پیشنهاد های پژوهشی

۱. بررسی و شناسایی تحلیلی طرق تخریج حدیث.
۲. کتابشناسی تحلیلی اصول التخریج و دراسة الأسانید المیسرة، تألیف عماد علی جمعة.

در سند و متن. بنابراین اولین عملی که برای دراسة اسناد بحث می شود، شناخت رجال سند است تا بر اساس گفته علمای جرح و تعدیل، عدالت و ضبط یا عدم آنها ثابت شود.^{۴۴}

نویسنده پس از آن کیفیت اخراج ترجمه و شناخت احوال رجال سند را بیان کرده است. و انجام روش کار را با یک مثال بیان می کند و پس از بحث کوتاهی در مورد اتصال سند و نبود شذوذ و علت در سند حکم بر این حدیث را بیان می کند.

طحان پس از بیان این مطلب به نکته ظریفی اشاره می کند. او می نویسد:

کسی که بررسی این مراحل از اسناد را انجام داد بهتر است در حکم خود بر آن حدیث بگوید: «صحیح الاسناد» یا «حسن الاسناد» یا «ضعیف الاسناد» و نگوید: «صحیح» یا «حسن» یا «ضعیف»؛ زیرا ممکن است حدیث دیگری یافت شود که در معنا با این حدیث تعارض داشته باشد یا سند آن اقوی از این حدیث باشد. در این صورت حدیثی که بر آن حکم به صحت کرده اید شاذ می شود. همچنین ممکن است در حدیث، به علتی مشکل وجود داشته که آن محقق به او نرسیده است. نسبت به حدیث ضعیف هم همین حکم جاری است؛ چون ممکن است گاهی حکم به ضعف حدیثی شود، ولی برای آن تابع یا شاهدی یافت شود و باعث شود مرحله حدیث ترقی کرده و حسن لغیره شود.^{۴۵}

مؤلف پس از بیان مثالی دیگر در این رابطه، مشهورترین کتاب هایی که در کشف علت و شذوذ از آنها کمک گرفته می شود را نام می برد. برای نمونه: «علل الحدیث» ابن ابی حاتم، «العلل» و «معرفة الرجال» تألیف ابن حنبل، «العلل» ابن مدینی، «العلل الکبیر» تألیف ترمذی و «العلل الواردة فی الاحادیث النبویه» تألیف دار قطنی را نام می برد و در پایان خلاصه مراحل دراسة الاسانید را بیان می کند.

۹. خاتمه کتاب

مؤلف در پایان کتاب خود با بیان خاتمه ای کوتاه که در آن حمد

۴۴. رک به: همان، ص ۲۱۷ و ۲۱۸.

۴۵. رک به: همان، ص ۲۱۸.

کتابنامه

۱. الألبانى، محمد ناصر الدين؛ إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل؛ بیروت: المكتب الإسلامی، دوم: ۱۴۰۵ق / ۱۹۸۵م.
۲. جمعة، عماد علی؛ أصول التخریج و دراسة الأسانید المیسرة؛ ریاض، اول: ۱۴۲۵ق / ۲۰۰۴م.
۳. طحان، محمود؛ اصول التخریج و دراسة الأسانید؛ بیروت: دارالقرآن الکریم، دوم: ۱۹۷۹م.
۴. ابن حجر العسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد؛ الدراية فی تخریج أحادیث الهدایة؛ تحقیق: عبد الله هاشم الیمانی المدنی؛ بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۵. بکار، محمد محمود أحمد؛ علم تخریج الأحادیث أصوله. طرقه. مناهجه؛ قاهرة: دارالسلام، اول: بی تا.
۶. مرعشلی، یوسف؛ علم تخریج الحدیث و بیان کتب السنة المشرفة؛ بیروت: دارالمعرفة، اول: ۱۴۲۹ق-۲۰۰۸م.
۷. السخاوی، شمس الدین محمد بن عبدالرحمن؛ فتح المغیث شرح ألفیة الحدیث؛ بیروت: دارالکتابة العلمیة، اول: ۱۴۰۳ق.
۸. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ قم: هجرت، دوم: ۱۴۰۹ق.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ تحقیق: جمال الدین میردامادی؛ بیروت: دارالفکر، سوم: ۱۴۱۴ق.
۱۰. ابن فارس، ابی الحسین احمد بن فارس بن زکریا؛ معجم مقاییس اللغة؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، اول: ۱۴۲۲ق.
۱۱. الحاکم النیسابوری، أبو عبد الله محمد بن عبد الله؛ معرفة علوم الحدیث؛ تحقیق: نورالدین عتر، حلب: المكتبة العلمیة، بی تا.
۱۲. علی بن نایف الشخود؛ المفضل فی أصول التخریج و دراسة الأسانید؛ بی جا، بی تا.
۱۳. الزیلعی، جمال الدین أبو محمد عبد الله بن یوسف بن محمد الزیلعی؛ نصب الرایة لأحادیث الهدایة؛ تحقیق: محمد عوامة؛ بیروت و جدة: مؤسسة الریان و دار القبلة للثقافة الإسلامیة، اول: ۱۴۱۸ق / ۱۹۹۷م.
۱۴. وبسایت www.shamela.ws
۱۵. وبسایت www.ar.wikipedia.org

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی